



روزنامه جوان | شماره ۵۲۳۳

**رویکرد**

**روح‌الله صالحی**

منطقه، خطر تجزیه سوریه بیش از پیش جدی تر شده است. و تسلط بر منابع نفتی این مسئله با توجه به حساسیت‌های روسیه و ترکیه، می‌تواند ناامنی و بی‌ثباتی در منطقه را تشدید کند.

شعله‌های جنگ با گذشت هفت سال از بحران سوریه، همچنان برافروخته است و مسیبه‌های دیپلماتیک برای پایان دادن به آن در اولویت دوم قرار گرفته‌اند. به موازات پیروزی‌های محور مقاومت در مقابل تروریست‌ها، امریکا نیز به سمت متحدان منطقه‌ای خود و به بهانه مقابله با داعش، سعی در دست‌اندازی بر خاک سوریه را دارد. اخیراً توانستند شهر رقه، پایتخت داعش در سوریه بر از کنترل این گروه تروریستی خارج کرده و بر آن مسلط شوند. هر چند شکست داعش در سوریه خیر خوبی برای منطقه و سوریه است اما جایگزین شدن گروه‌های دیگر که نقش پیاده‌نظام امریکا را بازی می‌کنند بحران دیگری را در سوریه ایجاد می‌کند. امریکا که نتوانسته موفقیتی در مقابل داعش کسب کند، با ازادی رقه علاوه بر اینکه پیروزی ادعایی مقابل داعش را به نام خود ثبت می‌کند، با ضمیمه کردن بخش‌های گسترده‌ای از جغرافیای سوریه به مناطق تحت کنترل کردها، زمینه را برای اجرای طرح‌های تجزیه‌طلبانه فراهم کند.

امریکا در حالی شعار پیروزی در مقابل داعش در رقه را سر می‌دهد که بر اساس شواهد و قرائن موجود، تصرف رقه بر اثر بده و بستان‌هایی بین واشنگتن و داعش انجام شده است و تروریست‌ها در ازای خروج امن، رقه را به کردها تقدیم کرده‌اند. انتقال تروریست‌ها به مناطق دیگر واکنش تند مسکو را در پی داشته و مقامات کرملین از این اقدام واشگتن توضیح خواستند. امریکا نمی‌خواهد از تروریسم خلاصی یابد زیرا اگر در این امر صدقات داشت با روسیه برای راهی‌ای از شر داعش هماهنگی می‌کرد اما واشگتن تاکنون از این مسئله خودداری کرده و همکاری‌های اطلاعاتی با مسکو را به حالت تعلیق در آورده و حتی به جای بمباران داعش، مواضع ارتش سوریه را مورد هدف قرار داده است. حضور ۱۰۰۰ نظامی واحداث ۱۰ پایگاه در شمال سوریه بیانگر این است که داعش تحت رهبری دونالد ترامپ برای آینده سوریه نقشه‌های دارد که می‌تواند حضور طولانی‌مدت واشگتن در منطقه را تثبیت کند.

**تسلط بر منابع انرژی**

امریکا منابع انرژی سوریه چشم دوخته است، زیرا با تسلط بر این منابع می‌تواند حضور طولانی‌مدت خود در منطقه را تثبیت کند. از آنجا که بیشتر ظرفیت‌های نفتی سوریه در شمال و شرق این کشور قرار دارند، بنابراین تسلط بر این مناطق نفت‌خیز می‌تواند کردها را در وضعیت بهتری قرار دهد. در راستای پیگیری این سیاست بود که هفته گذشته بر اساس توافقنامه جدیدی با عقب‌نشینی از شرق دیرازو بزرگ‌ترین چاه نفتی سوریه یعنی «میدان العمر» را به کردها تقدیم کرد، آن‌هم زمانی که ارتش سوریه تنها سه کیلومتر با آزادی آن فاصله داشت. میدان نفتی که در سه سال گذشته یکی از منابع درآمدی بزرگ داعش بود و اکنون به دست کردها افتاده و می‌تواند یک منبع مالی مهم برای کردها در آینده به حساب آید. بنابراین،داشتن منابع نفت برای کردهای سوریه گامی بلند به سمت تشکیل واحد مستقل کردی در شمال سوریه می‌باشد و باعث می‌شود نیروها به مناطق استراتژیک و نیز جاهای نفتی به منزله تقویت مواضع امریکا

# جهاد

سوروس بین‌الملل ۸۸۴۹۸۴۴۴



# فدرالितه اسم رمز امریکا برای تجزیه است معماری تقسیم سوریه بر خرابه‌های داعش

و متحدانش در منطقه و تضعیف طرف مقابل خواهد بود.

**فدرالی کردن، مقدمه تجزیه**

بالتبع حضور نظامی مستقیم امریکا در سوریه سناریوهایی با خود به همراه دارد که مهم‌ترین و خطرناک‌ترین آن اجرای پروژه تقسیم و تجزیه سوریه است. حمایت امریکا از کردها نگرانی‌ها برای اجرای نقشه فدرالی شدن سوریه و تشکیل حکومت خودگردان کردستان در سوریه را تقویت کرده است. شواهد و قرائن حاکی از این است که مهم‌ترین هدف از حضور نظامی در سوریه نه تنها مبارزه با تروریسم نیست، بلکه فراهم کردن زمینه اجرای طرح دیرینه امریکایی‌ها مبنی بر تجزیه سوریه است و در این بین طرح فدرالی کردن سوریه را باید پیش‌زمینه و مقدمه تقسیم سوریه ارزیابی کرد. همچنان که کردها پس از تسلط بر رقه، طرح فدرالی کردن سوریه را مطرح کردند و مدعی شدند که مردم این منطقه دربارهٔ آینده خود در چارچوب یک سوریه نوگنی سوریه از دو فدرال تصمیم‌گیری خواهند کرد. امریکا ترجیح می‌دهد با سوریه ضعیف شده و مدیریت شده روبه‌رو باشد تا سوریه قدرتمند در کنار اسرائیل. این کشور از سال ۲۰۰۶ طرح خرابی‌میان‌ه‌بزرگ را با هدف تقسیم کشورهای منطقه مطرح کرده، طرحی که در آن اسرائیل قدرت اول منطقه است و با دیگر کردن کشورهای اسلامی در بحران‌های داخلی، امنیت مرزهای رژیم صهیونیستی بیش از پیش تضمین خواهد شد. تحلیلگران سیاسی و منطقه‌ای از دو سناریو تجزیه سوریه با تحمیل نظام فدراتیو به این کشور به‌عنوان دو اولویت پیش روی امریکا در سوریه یاد می‌کنند، و معتقدند اقدامات ارتش امریکا در حمایت از کردها در رقه مقدمه‌ای برای اجرای یکی از این دو سناریو است. «بنوعیا» رئیس‌جمهور سوریه در دیدار با رئیس‌مطالعات کردی دانشگاه لوی او یو معتقد

صهیونیستی به تکفیری‌ها و مداوای تروریست‌های زخمی در بیمارستان‌های اسرائیل منتشر شده است. همچنین جنگنده‌های اسرائیلی در راستای کمک به تروریست‌ها بارها مواضع ارتش سوریه را بمباران کرده‌اند.

**تشکیل کردستان بزرگ**

هزمانی تصرف رقه به دست کردها و همه‌پرسی جدایی کردستان عراق نیت مخفی امریکا را افشا می‌کند. هر چند امریکایی‌ها در ظاهر مخالفت خود را با برگزاری همه‌پرسی جدایی کردستان اعلام کردند اما وقتی تحولات سوریه و عراق را کنار هم می‌گذاریم متوجه می‌شویم که امریکا برای ایجاد پروژه کردی در منطقه نقشه‌هایی در سر دارد که در راستای سیاست‌های تجزیه‌طلبانه است. همچنان که تسلط کردها بر رقه دقیقاً سه روز پس از آن انجام شد که نیروهای عراقی در عملیاتی گسترده توانستند منطقه نفت‌خیز کرکوک را از نیروهای پیشمرگه کرد پس بگیرند.

«خالد العبود»، عضو مجلس سوریه درباره سناریوهایی امریکا در این کشور می‌گوید: «ظاهر طرح امریکا در سوریه همان مبارزه با تروریسم است که در گروه داعش تجلی یافته است اما اهداف پنهانی آن همان تقسیم سوریه از طریق ایجاد یک سناکستار به‌عنوان خودگردانی است به گونه‌ای که انگار خاک سوریه مایملک امریکایی‌هاست.» به گفته وی، «چه بسا هدف امریکا در سوریه، مرتبط کردن شمال سوریه با منطقه کردستان عراق و در مرحله بعدی جنوب‌شرقی ترکیه است و در نتیجه هدف همان ایجاد «کردستان بزرگ» و گشودن روابط با اسرائیل باشد.» ایجاد کشور مستقل کردی که مورد حمایت اسرائیل باشد، می‌تواند معادلات منطقه را تغییر دهد و بر این اساس امریکا می‌خواهد سناریوی خودمختاری کردها را تا مرزهای عراق امتداد دهد و در صورت جدایی کردستان عراق بتواند این دو منطقه را به یکدیگر پیوند داده و کردستان بزرگ را عملی کند. از آنجا که روسیه نیز مخالفت جدی با این پروژه ندارد امریکا در رسیدن به این هدف با مانع جدی روبه‌رو نخواهد بود.

**کسب امتیازات سیاسی**

امریکایی‌ها با روی آوردن به کردها و با توجه به موفقیت‌هایی که در میدان محقق کرده‌اند، در صدد بازی با برگ کردها در برابر نظام سوریه در دوره‌ای آتی مذاکرات خواهند بود. در واقع اکنون که داعش در سوریه به مراحل پایانی خود نزدیک می‌شود امریکا به دنبال آن است ابزار فشاری برای چانه‌زنی با دمشق در اختیار داشته باشد. آنها در پی آن هستند در عرصه معادلات میدانی همگی تجزیه خواهند شد و تا مدت‌ها توانایی اعمال تهدیدی علیه اسرائیل نخواهند داشت.» بر این اساس، تجزیه سوریه یک برگ برنده برای رژیم صهیونیستی خواهد شد و به این رژیم عمقی راهبردی می‌بخشد که به القادری تلاش کرده است. این گزارش در حالی است که در شمال سوریه با دست پر در گفت‌وگوهای آینده حاضر شده و سهمی از قدرت را برای خود و متحدانشان بگیرند.

**ارزایی**

در مجموع می‌توان گفت شرح‌نخ‌بازی سیاسی سوریه پیچیده شده و طرف‌های مختلف در این صفحه در حال بازی هستند. امریکایی‌ها با استفاده از برگ کردها به دنبال اعمال نفوذ بیشتر در سوریه و تقسیم این کشور هستند. این امر برای غربی‌ها یک برگ برنده محسوب می‌شود و در صورت تحقق می‌تواند به نفع‌های بسیار برای ارتش سوریه و همچنین برای داعش پایان بحران در سوریه نخواهد بود، بلکه می‌تواند آغازی برای مناقشه‌ای جدید بین کردهای مورد حمایت امریکا را در ارتش سوریه باشد که گفته است این مناطق را بازپس می‌گیرد.

روپایی برای رسیدن به قدرت شده است. مسئله دیگری که به موفقیت‌های احزاب راست افراطی کمک‌زبادی کرده، ناهمبندی مردم اروپایی از احزاب سنتی راست و چپ است که در بسیاری از کشورهای این قاره،از جمله در کشورهای عضو اتحادیه اروپا به تازوب روی کار آمده با دادن وعده‌های فریبنده در راستای حل معضلات اقتصادی و اجتماعی، رأی شهروندان را کسب کرده و سپس شعارهای خود را به یوته فراموشی سپرده‌اند. طبیعتاً واکنش مردم این کشورها، روی آوردن به احزایی است که شعارها و وعده‌هایی را مطرح می‌کنند که مورد نظر بسیاری از شهروندان این کشورهاست. این مسئله آشکارا در جریان انتخابات آلمان، اتریش و جمهوری چک رخ داد. به ویژه اینکه اکنون مسئله مهاجران و پناهنجویان یکی از دغدغه‌های اصلی مردم این سه کشور است و احزاب راست افراطی وعده برخورد سخت با مهاجران را مطرح کرده‌اند. همین مسئله باعث شده تا مقامات اروپایی درباره خطر گسترش راست افراطی و گرایش‌های ملی‌گرایانه احساس خطر کنند. از جمله یواخیم گاوک رئیس‌جمهوری سابق آلمان اواسط ژوئن ۲۰۱۶ اظهاراتش ملی‌گرای افراطی می‌تواند به‌عنوان یکی از موانع گسترش همگرایی در اروپا مطرح شود. به نظر می‌رسد جنبش‌های ملی‌گرایانه در اروپا بسیار شبیه جریان‌ات سیاسی است که باعث پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۱۶ در امریکا شد.

**جمع‌بندی**

با توجه به نتایج انتخابات اخیر در چند کشور اروپایی می‌توان در یافت که گرایش آشکاری در شهروندان اروپایی به سوی رویکرد راستی ریاست افراطی وجود دارد. راهپایس سران و مقامات این احزاب به پارلمان‌های اروپایی و در مرحله بعد پارلمان اروپا باعث افزایش مخالفت‌ها با سیاست‌های کنونی در زمینه چگونگی مواجهه با مسائلی مانند سیاست‌های مالی و اقتصادی بین‌المللی اروپا نحوه برخورد، با معضل پناهنجویان می‌شود. در واقع به ازای انتخاب هر سیاستمدار افراطی در کشورهای اروپایی و به تبع آن با ورود این افراد به پارلمان اروپا در برهه‌های آینده، مسئله دست‌یابی به موافقت‌نامه‌هایی به منظور حل مسائل اقتصادی و سیاسی در انگلیس، جنبش پیگیدا و حزب آلت‌ناتیو در آلمان، حزب آزادی در اتریش، احزاب راست‌گرای افراطی در کشورهای اروپای شرقی مانند حزب «آنو» در جمهوری چک، مسئله مهاجران و پناهنجویان را به عنوان مستمسک اصلی تبلیغاتی خود قرار داده و مهاجرتستیزی و درخواست برای ممنوعیت ورود و نیز اخراج مهاجران موجود در این کشورها، نیز مخالفت شدید با ورود پناهنجویان را همواره به عنوان یکی از موارد وعده‌های اصلی خود در جریان تبلیغات انتخاباتی مطرح کرده‌اند. از سوی دیگر روی کار آمدن دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری جدید امریکا که آشکارا گرایش‌های پوپولیستی و راست‌گرایانه افراطی دارد، باعث تقویت انگیزه و نیز عزم سران جنبش‌ها و احزاب راست افراطی در کشورهای



## روح ترامپ در کالبد راست‌های اروپا

بیشتر دو منطقه شمال ایتالیا یعنی لمباردی و ونتو بود که اکثریت شرکت‌کنندگان به آن رأی مثبت دادند. آنها در واقع از ایده‌های حزب راست‌گرای افراطی «لیگ شمالی» که اداره امور آنها را بر عهده دارد و زمانی علناً جدایی‌طلب بود، حمایت کردند. این چهار رویداد مهم انتخاباتی طی یک ماه گذشته نشان دهنده احیای مجدد رویکردهای پوپولیستی و اگرآ در برخی کشورهای اروپایی است که مسلمان هدف نخست آنها هم با پاشیدن همگرایی اروپایی و نماد آن یعنی اتحادیه اروپاست.

**علل این پدیده**

علل احیای احزاب راست افراطی در برخی کشورهای اروپایی است. مسلمانا وضیعت نامساعد اقتصادی، اجتماعی این کشورها و رشد تفکرات نژادگرایانه از جمله دلایل بروز این پدیده محسوب می‌شوند. با توجه به بحران‌هایی که اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر با آنها مواجه شده که از جمله می‌توان به بحران مالی و اقتصادی، بحران پناهنجویان و بحران خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (برگزیت) اشاره کرد، در افکار عمومی اروپایی تمایل آشکاری برای بازنگری در ایده‌های مبتنی بر همگرایی به‌وجود آمده که شالوده نظری تشکیل اتحادیه اروپا را فراهم ساخته است. رأی مثبت مردم بریتانیا به برگزیت در واقع هشدار یی برای سران اتحادیه اروپا بود که ایده همگرایی اروپایی با توجه به آشکار شدن ناکارآمدی این نهاد اروپایی در حل و فصل بحران‌های مالی و اقتصادی و نیز بحران پناهنجویان اکنون

**دورنما**

**دکتر سیدرضا میطرطهر**

برحان‌های متعددی قرار گرفته است. با این حال یکی از مهم‌ترین چالش‌های اروپا در بعد سیاسی و اجتماعی، رشد فزاینده احزاب و جنبش‌های راست افراطی در عرصه جوامع اروپایی، راهپایس این احزاب به پارلمان‌های اروپایی و نیز ظهور سیاستمداران پوپولیست در رأس این احزاب است. ضمن اینکه یکی از پیامدهای رشد ملی‌گرای افراطی در اروپا، افزایش حمایت‌گرایی در اقتصاد است که با عقب‌نشینی از شرق دیرازو بزرگ‌ترین چاه نفتی اقتصادی و تجاری بین کشورهای عضو است تضاد آشکار دارد. این مسئله به ویژه با رویکرد حمایت‌گرایانه ترامپ رئیس‌جمهوری امریکا در قبال اقتصاد امریکا ارتباط دارد. در بین سیاستمداران ارشد اروپایی اعمر از مقامات کشورها و مقامات ارشد اتحادیه اروپا این نگرانی جدی وجود دارد که اقبال عمومی به احزاب و جنبش‌های راست‌گرای افراطی در اروپا در نهایت منجر به روی کار آمدن سیاستمدارانی با رویکرد ملی‌گرای افراطی در کشورهای اتحادیه اروپا شود که اساساً اعتقادی به ایده وحدت و همگرایی اروپایی نداشته و در عوض طرفدار بازی‌گشت به هویت‌های ملی و استقلال عمل کامل در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نظامی و امنیتی باشند. به‌رغم این نگرانی‌ها، نتایج انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری هلند و فرانسه در نیمه اول سال ۲۰۱۷ به ضرر احزاب راست افراطی رقم خورد.

**خیزش مجدد**

با این حال تحولات سیاسی اخیر در چند کشور اروپایی نشان‌دهنده خیزش مجدد احزاب راست افراطی در اروپا است. در واقع با موج جدیدی از راست‌گرایی افراطی مبتنی بر اندیشه‌های پوپولیستی در اروپا مواجه هستیم. کیتی او، دانیل کارشناس سیاسی امریکایی اشاره به نتیجه انتخابات پارلمانی جمهوری چک که اواخر اکتبر ۲۰۱۷ بر گزار شد، می‌گوید: مردم جمهوری چک به فردی به‌عنوان نخست‌وزیر آینده این کشور رأی دادند که همواره به اتحادیه اروپا به دیده تحقیر نگریسته و پی‌درفتمت، اشاره وی به پیروزی «اندروی بابیش» رهبر حزب پوپولیست «آنو» در انتخابات پارلمانی این کشور است. از سوی دیگر در آلمان برای نخستین بار از دوران حکومت نازی‌ها، شاهد ورود حزب راست افراطی «آلت‌ناتیو برای آلمان» به پارلمان این کشور هستیم و در انتخابات پارلمانی اتریش نیز که اکتبر ۲۰۱۷ برگزار شد طی توجوی پیش‌سابقه از سال ۱۹۹۹ تاکنون، حزب راست افراطی و مهاجرتستیز «آزادی» پس از حزب محافظه کار و راست‌میلانه «مردم» توانست از رأی قابل توجهی (به خود اختصاص دهد، واقعه مهم دیگر برگزاری همه‌پرسی خودمختاری

یک ماهی که عراق برای بقا جنگید

### پایان بارزانی با تعلیق اقلیم

**دورنما**

**دکتر سید نعمت‌الله عبدالحجیم‌زاده**

۲۵ سپتامبر روزی بود که رهبران اقلیم کردستان عراق با وجود مخالفت‌های گسترده داخلی و خارجی، به هدف خود برای همه‌پرسی اقلیم از کشور عراق رسیدند. آن همه‌پرسی با وجود استقبال نه چندان قابل توجه‌هالی اقلیم بر گزار شد. هر چند از قبل معلوم بود که رأی اکثریت به استقلال است و همین نیز شد، رأی اکثریت به استقلال و عدم پذیرش آن همه‌پرسی از سوی دولت مرکزی بغداد و کشورهای خارجی دو نکته قابل پیش‌بینی در روزهای قبل از همه‌پرسی بود اما مسئله مهم در روزهای بعد همه‌پرسی این بود که دولت اقلیم تا کجا حاضر است برای اصرار بر نتیجه همه‌پرسی پیش برود و دولت مرکزی بغداد و به خصوص شخص حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق، در مقابل دولت اقلیم چه خواهد کرد. تقابل بغداد و اربیل آن قدر مهم و نامشخص بود که روزهای پرتلهایی را به وجود آورده بود و حالا بعد یک ماه از همه‌پرسی، مشخص شده بغداد در این تقابل دست بالا دارد و اربیل جلا از اینکه تعلیق نتیجه همه‌پرسی را به بغداد پیشنهاد داده، دچار چنان تنش سیاسی شده که حرف از استعفای مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق، زده می‌شود.

**نقطه طلایی**

پیشمرگ‌های اقلیم دو سال قبل بعد جنگی سخت علیه نیروهای داعش وارد شهر سنجار در شمال عراق شدند و مسعود بارزانی به مناسبت این پیروزی اعلام کرد از این پس تنها پرچم کردستان است که در اینجا برافراشته خواهد شد. او در آن زمان فقط این حرف را نزد بلکه پیشتر از این اعلام کرده بود: «پیشمرگ‌های کرد از مناطقی که اکنون در تحت کنترل آنهاست خارج نخواهند شد.» او با گفتن این حرف‌ها تنها از پیروزی پیشمرگ‌های خود در برابر داعش نمی‌گفت بلکه نقشه جدیدی از اقلیم کردستان با منطقه تحت فرمان خود را ترسیم می‌کرد که مرزهای آن فراتر از نقشه رسمی اقلیم می‌رفت و مناطقی از استان‌های نینوا، صلاح‌الدین و دیاله را در برمی‌گرفت و البته نقطه طلایی در این ترسیم جدید از فروپاشی امپراطوری عثمانی در صد سال قبل شاهد تغییرات قومی متعددی بوده و همین هم باعث شده بود تا قوام مختلف ترکمن، کرد و عرب هر کدام ادعای تملک آن را داشته باشند اما این بارزانی بود که از ضعف بغداد در برابر داعش استفاده کرد تا در عمل کرکوک را منضم به اقلیم کرد. هر چند این شهر به صورت رسمی خارج از اقلیم قرار دارد اما برگزاری همه‌پرسی در آن قصد و غرض بارزانی و همراهان وی، همراهمان وی، جدا کردن این نقشه از کل عراق معلوم بشود. علاوه بر ادعاهای تاریخی، باید به منابع غنی نفت کرکوک هم توجه شود که بی‌شک از انگیزه‌های اصلی این قصد و غرض است. در مقابل، بغداد نیز نمی‌توانست به راحتی چشم از این منابع ببوشد و به همین جهت هم کرکوک در تقابل بغداد با اربیل به سرعت به نقطه طلایی بدل شد تا بعد دو هفته از همه‌پرسی، تکلیف تقابل را معلوم بکند. ارتش عراق به همراه نیروهای پلیس فدرال و مرخمی مشهور به حشدالشعبی راهی کرکوک شدند و بعد از درگیری مختصر با گروهی از پیشمرگ‌ها وارد شهر شدند. هر چند یاران بارزانی در حزب دموکرات کردستان عراق جنگ تبلیغاتی گسترده‌ای را به راه انداختند تا نگاه دست دادن کرکوک را به گردن رفقای خود در حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق ببندازند، اما آنها نمی‌توانستند به این وسیله عقب‌نشینی پیشمرگ‌های خود را در مناطق مختلف از جمله شهرستان دوزخ و جاهای نفتی بای حسن و هالابا یا شنگال در شمال عراق پنهان کنند.

**دولت نجات ملی**

تاکنیک تبلیغاتی سران حزب دموکرات کردستان عراق نمی‌توانست بدون موج سیاسی مقابل باشد چراکه این تاکنیک باعث شد تا نزدیکی بیشتری بین اتحادیه میهنی و حزب گوران علیه جبری حزب دموکرات اقلیم و شخص بارزانی ایجاد شود. شورش حاجتی، سخنگوی گوران، چند روز بعد از تسلط بغداد بر کرکوک گفت اقلیم کردستان مساحت جغرافیایی زیاد و همچنین حمایت‌های قدرتمندی بین‌المللی را از دست داده که خواستار تعویق همه‌پرسی شده‌اند. او این اتفاقات را ناشی از تصمیم‌های افرادی درباره همه‌پرسی دانست که اوضاع بحران را برای اقلیم رقب و به همین جهت هم خواستار کناره‌گیری سران اقلیم از جمله بارزانی شده بود و هم اینکه نظام ریاستی اقلیم مبذل به نظام پارلمانی شود. او برای خروج از بحران فعلی پیشنهاد تشکیل دولت نجات ملی را داد و بعد از این پیشنهاد، تظاهراتی در شهر سلیمانیه برای حمایت از این پیشنهاد به راه افتاد تا معلوم شود پیشنهادی بدون حمایت مردمی نیست. است. گفت جریان‌های سیاسی مثل جمعاعت اسلامی در یستاد و ائتلاف برای عدالت و رهبری در برهه صالح هم به پیشنهاد گوران پیوستند و صالح در مصاحبه با الشروق الاإسط گفت همه‌پرسی اقلمدی «شکست‌خورده» بود چراکه «تصمیم برگزاری همه‌پرسی در فضایی از مخالفت جهانی و منطقه‌ای بر گزار شد در حالی که توافقات داخلی کردها هم وجود نداشت و حتی توافقات با بغداد هم مطلوب نبود.» در هر صورت، تاکنیک تبلیغاتی رهبران اقلیم علیه رقیب سنتی خود در اتحادیه میهنی به سرعت جبهه سیاسی برای تشکیل دولت نجات ملی را به دنبال داشت و باعث شد تا تقابل از اربیل با بغداد به سمت راست کشیده شود و مبذل شود به تقابل بارزانی و حزب دموکراتش با دیگر جریان‌های سیاسی که بحران موجود با بغداد را ناشی از خضای محاسباتی او و اصرار نستنجیده‌اش برای برگزاری همه‌پرسی می‌دانند که به نظر این جریان‌ها، تنها راه خروج در برکناری او از قدرت و تشکیل دولت نجات ملی از تمام جریان‌های سیاسی است.

**عقب‌نشینی تاکنیکی**

شاید بارزانی روزی که در میان تشویق هواداران و سکوت بامعنای منتقدانش اصرار به برگزاری همه‌پرسی می‌کرد، تصویری از امروز نداشت که هم کرکوک و دیگر مناطق خارج از اقلیم را از دست بدهد و هم مصای منتقدانش بلندتر از همیشه شود. معلوم است که او راهی عقب‌نشینی ندارد و این عقب‌نشینی با صدور بیانیه‌ای از سوی دولت اقلیم در روز چهارشنبه ۱۲ اکتبر با درست یک ماه بعد از برگزاری همه‌پرسی انجام شد. این بیانیه سه پیشنهاد مشخص به بغداد دارد که عبارت‌تاز: برقراری فوری آتش‌بس و توقف تمامی عملیات‌های نظامی در اقلیم کردستان (عراق)، تعلیق نتایج حاصل از همه‌پرسی کردستان و آغاز گفت‌ووی آزاد میان دولت اقلیم و دولت فدرال بر اساس قانون اساسی عراق. دولت اقلیم با سه پیشنهاد خود دست کم می‌خواهد نشان بدهد به جای درگیری حاضر به مذاکره با بغداد است و برای همین هم حاضر شده یک گام از نتیجه همه‌پرسی به عقب بردارد اما معلوم است که بغداد نمی‌تواند این گام را کافی بداند. در واقع، اگر بغداد در شرایط فعلی این گام به عقب‌ار بیل را قبول کند به صورت ضمنی برگزاری همه‌پرسی و نتیجه آن راه هم پذیرفته هر چند با گام به عقب‌ار بیل در وضعیت تعلیق قرار گرفته است. علاوه بر این، تعلیق نتیجه همه‌پرسی با مذاکره بر اساس قانون اساسی عراق قابل توجیه نیست چراکه در این قانون حرفی از استقلال اقلیم از کشور زده نشده و بر اساس آن مذاکراتی وجود و ماده ۱۴۰ آن هم از تطابق با همه‌پرسی استقلال ندارد تا بر اساس آن مذاکراتی بشود. به بیانی دیگر، اصل برگزاری همه‌پرسی باعث شده تا منطقتهای برای مذاکره با بغداد وجود نداشته‌باشد تا با تعلیق نتیجه آن هم بتوان انتظار مذاکراتی داشت. بغداد با توجه به این موضوع است که از ابتدا تنها با لغو نتیجه همه‌پرسی، تسلط قانونی بر سراسر اقلیم کردستان با انحلال سه وزارتخانه دفاع، کشور و امنیت و تحویل دادن تمام گذرگاه‌های هوایی و زمینی از جمله گمرک‌ها و بازگرداندن مسئولیت نفتی به دولت مرکزی است. این طرف دیگر، با اربیل شده است. بغداد تا اینجایی کار نواستنه با تسلط بر اکثر قریب به اتفاق مناطق مورد منازعه با اقلیم به برخی از این شروط دست یابد و همراهی او دولت ایران و ترکیه هم راه بغداد را برای رسیدن به دیگر شروط هموار کرده و این اربیل و بارزانی است که نمی‌تواند با این دست عقب‌نشینی تاکنیکی، ایدی برای افرا را تأیید کند و می‌گوید قبل از رسیدن به خلا سیاسی و قانونی، امید بارزانی برای آرام کردن اوضاع را از بین می‌برد و همین نیز به نوبه خود بحران سیاسی داخلی در اقلیم را تشدید می‌کند. اخباری مبنی بر نقویض اختیارات بارزانی به دو قوه مقننه و مجریه اقلیم را استعفا و کناره‌گیری او از قدرت البته به شرط ماندن برادرزاده‌اش، نیچروان بارزانی، در دست نخست‌وزیری اقلیم شنیده می‌شود. از طرف دیگر، دولت نجات ملی از جانب احزاب منتقد بارزانی به صورت جدی پیگیری می‌شود و حالا محمد توفیق رحیم، عضو گوران، و برهم صالح خود را برای جانشینی او کاندیدا کرده‌اند. عزت صابر، رئیس کمیسیون امور مالی و اقتصادی پارلمان اقلیم، در مصاحبه با خبرگزاری‌های نووستی و اسپوتنیک این امر را تأیید کرد و می‌گوید قبل از رسیدن به خلا سیاسی و قانونی، اختیارات بارزانی میان پارلمان و کابینه توزیع می‌شود و «منصب رئیس اقلیم کردستان و معاونش به حالت تعلیق درمی‌آید و انتخابات تنها بعد از گذشت هشت ماه برگزار می‌شود.» به نظر می‌رسد قوه قدرت بارزانی تنها یک ماه بعد از همه‌پرسی استقلال به سر رسیده‌و این عراق است که بعد از یک ماه توانست در جنگ برای بقای خود پیروز شود.